

تحلیلی بر قلمرو و قواعد دادرسی حاکم بر ماده ۲۳ قانون اصلاحی چک مصوب سیزدهم آبان هزار و سیصد و نود و هفت

کامران آقایی*

DOI: 10.22096/LAW.2022.538915.1935

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵]

چکیده

قانون‌گذار ایران در ماده ۲۳ قانون اصلاح چک مصوب ۱۳۹۷، درخواست وجه چک با صدور اجرائیه از دادگاه صالح را مجاز دانسته است. مفاد این ماده با مقررات گوناگونی پیوند می‌یابد که در قانون به آن‌ها اشاره نشده است و فقط از طریق تفسیر چشم‌انداز قانون‌گذار به آن می‌توان دست یافت؛ از جمله اینکه اجرائیه از دستورهای اداری قطعی و غیر ترافیعی است و دادگاه صالح برای صدور اجرائیه و دادرسی با ملاک‌های موجود در قانون آیین دادرسی مدنی همان دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد و به دعاوی ناشی از چک نیز در همین مرجع رسیدگی می‌شود و البته در جایی که اختلاف دارای ماهیت جزایی است، پرونده به دادگاه کیفری ارجاع می‌شود. درباره احکام مندرج در قانون نیز قانون‌گذار با خروج پاره‌ای از خسارت‌ها، از جمله تأخیر تأدیه و هزینه اجرا و اینکه اجرائیه علیه صادرکننده و صاحب حساب صادر می‌شود، و علیه ضامن و ظهرنویس نمی‌توان درخواست اجرائیه کرد، دارنده را با محدودیت‌هایی روبه‌رو ساخته است. همچنین، اگرچه درباره چک‌های مشروط و تضمینی و مشمول ماده ۱۴ قانون چک اجرائیه صادر نمی‌شود، اما صادر نشدن اجرائیه فقط محدود به این موارد نیست و دادگاه در پاره‌ای دیگر از جاها نیز می‌تواند از صدور اجرائیه خودداری کند. چنان‌که

* دکتری حقوق خصوصی، تهران، ایران



می‌دانیم، صدور اجرائیه برای مطالبه وجه چک از اداره ثبت نیز امکان‌پذیر است، اما ماده ۲۳ در قیاس با آن دارای پشتوانه قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است و دارنده موظف به تسلیم اصل چک به مدیر اجرا نیست. در مقابل، اگرچه در خصوص چک‌های تضمینی و مشروط در اداره ثبت اجرائیه صادر می‌شود، اما قانون‌گذار در ماده ۲۳ صدور اجرائیه را برای این دسته چک‌ها منع کرده است.

واژگان کلیدی: قلمرو قواعد دادرسی ماده ۲۳؛ درخواست اجرائیه؛ ماهیت اجرائیه؛ دعوای بطلان چک؛ اجرائیه در دادگاه و اداره ثبت.

مقدمه

قانون‌گذار ایران، با الهام از واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۳۹۷ اصلاحاتی را در قانون چک سال ۱۳۵۵ انجام داد. این اصلاحات، برابر سخنان تدوین‌کنندگان آن، در راستای جلوگیری از صدور چک‌های پرشمار بی‌محل و شفافیت در بهره‌گیری از این سند تجاری به انجام رسید. در اصلاحیه، احراز هویت درخواست‌کننده دسته‌چک و اعتبارسنجی مالی او مورد توجه قرار گرفت و پاره‌ای اشخاص، از جمله اشخاص ورشکسته و معسر از پرداخت، محکوم به و دارای چک برگشتی، پس از دو سال از لازم‌الاجرا شدن قانون صدور چک و دریافت دسته‌چک ممنوع شدند. همچنین، صدور و گردش چک با اخذ شناسه با نام دارنده و مبلغ و تاریخ چک امکان‌پذیر شد و انتقال آن نیز با ثبت دارنده جدید طبق همان شناسه سکتا امکان‌پذیر خواهد بود. درباره صدور چک بی‌محل در اصلاحیه اخیر دو گونه ضمانت‌اجرا پیش‌بینی شده است. نخست، به موجب ماده ۵ مکرر اگر چک پرداخت نشود و در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت شود، این سامانه مراتب را به صورت برخط به همه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری اطلاع می‌دهد و پس از بیست و چهار ساعت، بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری موظف‌اند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، برای صادرکننده حسابی را نگشایند و کارت بانکی برای او صادر نکنند. همچنین، کلیه حساب‌ها و کارت‌های صادرکننده تا اندازه مبلغ چک مسدود و به او تسهیلات پرداخت نمی‌شود و ضمانت‌نامه‌ای صادر نمی‌گردد. به همین ترتیب، اعتبار اسنادی برای او گشایش نمی‌یابد.

افزون بر آنچه گفته شد، در ماده ۲۳ قانون اصلاحی، در صورتی که چک پرداخت نشود، علیه صادرکننده و صاحب حساب درباره مبلغ و حق الوکاله اجرائیه صادر می‌شود. صدور این اجرائیه منوط به آن است که در متن چک، مشروط یا تضمینی بودن آن قید نشود و چک مشمول ماده ۱۴ قانون چک و تبصره‌های آن نباشد. در این صورت، اگر صادرکننده وجه چک را پرداخت نکند، دارنده می‌تواند از اجرای احکام درخواست کند تا قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴ را درباره سند اجرا کند.

در این جستار یادآوری شده است که قانون‌گذار سازوکار مطالبه وجه چک و پیوند آن با دیگر تأسیس‌های حقوقی را تبیین نکرده و فقط در ماده ۲۳ تصریح شده است که می‌توان برای چک از دادگاه درخواست اجرائیه کرد. نبود این سازوکار ابهام‌های زیادی را برانگیخته است، به ویژه آنکه در چنین درخواستی، قوانین گوناگونی، از جمله «قانون تجارت»، «قانون چک مصوب ۱۳۵۵»، «قانون آیین دادرسی مدنی»، «قانون اجرای احکام مدنی»، «قانون نحوه

اجرای محکومیت‌های مالی» «قانون مجازات اسلامی» و «قانون آیین دادرسی کیفری» محل حضور و استناد می‌یابند.

در این جستار، نخست به قلمرو ماده ۲۳ پرداخته و محدودیت‌های قانونی اجرائیه تشریح می‌شود. سپس ماهیت و عنوان حقوقی مورد بحث قرار می‌گیرد و این نکته مطرح می‌شود که کدامیک از چک‌ها از شمول اجرائیه خارج می‌مانند. در بخش دوم، قواعد دادرسی حاکم بر چک مورد بحث قرار می‌گیرد؛ به این معنا که اگر شخص، مدعی مشروط و تضمینی بودن یا تحصیل چک از طریق مجرمانه باشد، در قانون اصلاحی چه وضعیتی دارد و چگونه می‌تواند دعوای مناسب خود را مطرح کند. در بخش پایانی نیز اجرائیه دادگاه و اداره ثبت مقایسه می‌شود.

درآمد

قانون‌گذار، بی‌آنکه سازوکار مطالبه وجه چک و پیوند آن با دیگر تأسیس‌های حقوقی را تبیین کند، در ماده ۲۳ قانون اصلاحی چک، صدور اجرائیه برای این سند را امکان‌پذیر دانسته است.^۱ فقدان این سازوکار ابهام‌های زیادی را برانگیخته است، به‌ویژه به دلیل آنکه در چنین درخواستی، قوانین گوناگونی، از جمله «قانون تجارت»، «قانون چک مصوب ۱۳۵۵»، «قانون آیین دادرسی مدنی»، «قانون اجرای احکام مدنی»، «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی»، «قانون مجازات اسلامی» و «قانون آیین دادرسی کیفری» محل حضور و استناد می‌یابند. چگونگی استناد به این قوانین و رفع پیچیدگی آن‌ها، انگیزه این نوشتار است.

۱. بخش نخست این ماده مقرر می‌کند: «دارنده چک می‌تواند با ارائه گواهی عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید. دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط ذیل، حسب مورد علیه صاحب حساب، صادرکننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید».

الف. در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد.

ب. در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

ج. گواهی‌نامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده ۱۴ این قانون و تبصره‌های آن صادر نشده باشد.

صادرکننده مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه، بدهی خود را بپردازد یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم را میسر کند؛ در غیر این صورت حسب درخواست دارنده، اجرای احکام دادگستری، اجرائیه را طبق «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳» به مورد اجرا گذاشته، به استیفای مبالغ مذکور اقدام می‌نماید».

۱. گفتاری درباره دامنه شمول ماده ۲۳

از حیث مفاد اجرائیه، قانون‌گذار در صدور ماده دو گونه محدودیت برقرار کرده است. نخست اینکه، دادگاه صالح اجرائیه را فقط درباره اصل مبلغ و حق الوکاله^۲ طبق تعرفه صادر خواهد کرد؛^۳ بنابراین خسارت‌های دیگر، از جمله خسارت تأخیر تأدیه^۴ و حتی هزینه اجرا با اجرائیه قابل مطالبه نیست. توضیح اینکه در متن اولیه^۵ مجلس خسارت تأخیر تأدیه وجود داشت، اما پس از مخالفت شورای نگهبان این بخش حذف گردید. روشن است که با توجه به تبصره ماده ۲ «قانون چک» و نظر تفسیری مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارت تأخیر تأدیه با تنظیم دادخواست قابل مطالبه است و درخواست اجرا مانع آن نخواهد شد.^۶ دومین محدودیت به این نکته بازمی‌گردد که اجرائیه فقط علیه صادرکننده و صاحب حساب یا هر دو صادر خواهد شد. بنابراین، با ملاک ماده ۱۹ «قانون چک سال ۵۵» و ضوابطی که از جمله در تبصره دو ماده ۵ مکرر اصلاحیه جدید مورد توجه قرار گرفته است، نمایندگان اشخاص حقوقی و از جمله شرکت‌های تجاری مشمول صدور اجرائیه خواهند شد؛ ولی به همین ترتیب، علیه دیگر مسئولان سند، از جمله ظهرنویس و ضامن اجرائیه صادر نخواهد شد. به نظر می‌رسد که این وجه از قانون به فلسفه‌ای بازمی‌گردد که بر درخواست اجرای چک از طریق اداره ثبت حاکم است؛ زیرا مراجعه به ظهرنویس و ضامن، رعایت شرایطی را ایجاب می‌کند که امری قضائی است و مراجعه به آنان با لحاظ اصل ترافع امکان‌پذیر است.^۷

۲. به موجب ماده ۲۵ آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه‌های دادگستری مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ رئیس محترم قوه قضائیه «حق الوکاله امور اجرائی در اجرای احکام دادگستری (حقوقی) و ادارات اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، حداقل چهار میلیون ریال و حداکثر دو درصد مبلغ محکوم‌به یا مورد اجراست و در خصوص دیگر موارد، حداقل چهار میلیون ریال و حداکثر تا مبلغ یک صد و پنجاه میلیون ریال است».

۳. با توجه به عبارت قانون‌گذار درباره چک‌های با مبلغ زیر دویست میلیون ریال نیز دادگاه صلاحیت دارد و شورای حل اختلاف صالح برای صدور اجرائیه نیست.

۴. کامران آقای، «ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه تعدیل پول»، در: تلافی‌گاه ضرورت و آزادی، ۲۳۹-۲۵۸. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۶. در پژوهش یادشده، این نظریه مطرح شده است که خسارت مندرج در ماده ۵۲۲ خسارت تأخیر تأدیه نیست، بلکه پرداخت آن ایفای اصل تعهد است. بر خسارت تأخیر تأدیه فلسفه دیگری حاکم است.

۵. متن اولیه چنین تدوین شده بود: «دارنده چک می‌تواند با ارائه گواهی عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک، خسارت تأخیر تأدیه و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را مطالبه نماید».

۶. افزون بر این، طبق اصول درخواست اجرائیه، همانند درخواست از اداره ثبت مانع شکایت کیفری نیست.

۷. یکی از پرسش‌هایی که در زمینه ماده ۲۳ به میان می‌آید این است که آیا دارنده افزون بر درخواست اجرا، نظر به اینکه از تاریخ درخواست تا پرداخت دین بازه زمانی وجود دارد، حق تأمین خواسته را از دادگاه دارد؟ با توجه به اینکه بر پایه ماده ۱۰۸ «قانون آیین دادرسی مدنی» خواهان باید پیش یا هم‌زمان با دادخواست راجع به اصل دعوا و تا هنگام صدور رأی قطعی تأمین خواسته را درخواست کند، و درخواست اجرائیه شرایط یک دعوا را ندارد، پس صدور قرار تأمین خواسته به نظر منتفی است و در این باره حقوقدانان نیز اظهار نظر کرده‌اند. (مجید میرحسینی، محمد کارگر و علیرضا شمس، «واکاوی اصلاحیه قانون چک»، ماهنامه مدرسه حقوق، سال سیزدهم، شماره ۱۲۱ (۱۳۹۷): ۸۵). در این پژوهش مطلب مذکور به دکتر اسکینی و دکتر کاویانی منتسب شده است. ←

اصلاحیه اخیر قانون چک، در ماهیت دارنده تغییراتی ایجاد کرده است. به موجب ماده ۱۶ کنوانسیون یکنواخت برات و سفته ژنو (۱۹۳۰) متصرف Holder برات، دارنده قانونی آن به شمار می‌رود، اگر اثبات کند که عنوان او بر برات از طریق پشت‌نویسی ناگسسته برآمده است؛^۸ بنابراین دارنده افزون بر انتقال گیرنده، شخصی با حسن نیت است که سند تجاری به او ظهرنویسی شده و یا از طریق قبض و اقباض به او انتقال یافته است. چنین دارنده‌ای مشمول حمایت قانون‌گذار است.^۹ در اصلاحیه اخیر برای نمونه، به موجب ماده ۶ و اصلاح آن در ۱۸/۰۳/۱۴۰۰ در هنگام ارائه دسته‌چک به مشتری، به هر برگ چک شناسه یکتا تعلق می‌گیرد^{۱۰} و بر پایه تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر و اصلاح آن، پشت‌نویسی چک به صورت در وجه حامل ممنوع است و صدور ظهرنویسی چک بدون درج آن انتقال چک در سامانه صیاد بی‌اعتبار است. صرف نظر از مسائل حقوقی چندی که مواد یادشده ایجاد می‌کند و اینکه ساختارهای تعیین‌شده در قانون چندان اجرائی نشده است در ماده ۱۱ قانون چک، دارنده شخصی است که برای نخستین بار چک را به بانک ارائه می‌دهد و برای تشخیص این امر بانک‌ها موظف شده‌اند تا به محض مراجعه دارنده، هویت کامل او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید کنند و اضافه شده است که اگر چک پس از برگشت به دیگری انتقال یابد، انتقال گیرنده حق شکایت کیفری ندارد، مگر آنکه انتقال قهری باشد. در ماده ۱۱ ابهامی وجود دارد؛ به این معنا که قانون‌گذار در بند دوم ماده، دارنده را شخصی می‌داند که برای نخستین بار چک را به بانک ارائه کرده و بانک مشخصات او را در پشت چک نوشته است. حال آنکه در بند سوم، دارنده هنگامی حق شکایت کیفری دارد که چک پس از برگشت و دریافت گواهی عدم پرداخت به او منتقل شده باشد. از تفسیر مواد و ضوابط حاکم بر قانون تجارت و رویه جاری، استنباط درست آن است که در صورت مغایرت میان نام قیدشده در پشت چک و گواهی عدم پرداخت، ملاک را گواهی عدم پرداخت بدانیم.^{۱۱} ماده ۲۳ تصریح دارد که دارنده با ارائه گواهی

→ صرف نظر از نهادهایی، نظیر معامله به قصد فرار از دین، این برنهاده همانند داوری داخلی یکی از کاستی‌های چشمگیر نظام دادرسی ایران است؛ زیرا در مقررات داوری دستور موقت وجود ندارد؛ حال آنکه به موجب ماده ۱۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶ داور می‌تواند با احراز فوریت و درخواست یکی از طرفین دستور موقت صادر کند. در هر حال، درباره چک رأی هیئت عمومی دیوان کشور و یا توضیحات مجلس قانون‌گذاری در این باره می‌تواند راهگشا باشد.

۸. «کنوانسیون یکنواخت ژنو درباره برات و سفته (۱۹۳۰)»، مجله حقوقی بین‌المللی ۱۰، شماره ۱۲ (۱۳۶۹): ۲۸۲.

۹. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت تطبیقی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۷۳)، ۹۰؛ کامران آقایی، جزوه حقوق تجارت تطبیقی (کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲)، ۲۴.

۱۰. به موجب بند پایانی ماده ۶ بانک مرکزی مکلف بوده است تا ضوابط این ماده را ظرف یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن قانون فراهم آورد و به تصویب شورای پول و اعتبار برساند.

۱۱. درباره دیدگاه‌های گوناگون، نک: غلامرضا کامیار، مجموعه محشای قانون صدور چک (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵)، ۱۰۲؛ آراء وحدت رویه شماره ۳۱- ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ دیوان عالی کشور و ۶۴۱- ۱۳۷۸/۸/۲۵. در هر دو این آراء، هیئت عمومی به روشنی ضابطه طرح شکایت را گواهی عدم پرداخت دانسته است.

تحلیلی بر قلمرو و قواعد دادرسی حاکم بر ماده ۲۳ قانون اصلاحی چک... / آقای ۲۵۵

عدم پرداخت می‌تواند اجرائیه بخواهد. پرسش این است که اگر دارنده پس از دریافت گواهی عدم پرداخت، چک را به دیگری منتقل کند، آیا انتقال‌گیرنده حق درخواست اجرائیه را دارد یا خیر؟ دانستیم که در این صورت، دارنده جدید حق شکایت کیفری را از دست می‌دهد. همچنین، از حیث حقوق اسناد تجاری انتقال پس از گواهی عدم پرداخت اماره‌ای بر آن است که دارنده با حسن نیت نیست.^{۱۲} برای نمونه، بر پایه ماده ۲۴ کنوانسیون یکنواخت ژنو راجع به چک (۱۹۳۱)، ظهرونی‌یسی پس از واخواست یا سندی معادل آن یا پس از مهلت ارائه چک به بانک یک انتقال عادی برشمرده می‌شود؛ ولی انتقال اسناد تجاری از حقوق اصلی دارنده است و بنابراین، انتقال پس از اخذ گواهی نیز نباید مانع درخواست اجرائیه شود و تصمیم‌گیری برخلاف این اصل با حق انتقال اسناد تجاری معارض است.

۱-۱. ماهیت و عنوان حقوقی اجرائیه

درباره ماهیت و عنوان حقوقی اجرائیه، حقوق‌دانان آن را از جمله دستورهای اداری انگاشته‌اند. این دستورها را قاضی صادر می‌کند، غیر تناظری است و مستدل و قابل شکایت به شمار نمی‌رود و از اختیارات صلاحیدی قاضی است.^{۱۳ و ۱۴} در ماده ۲۳ قانون‌گذار تعیین نکرده است که منظور از دادگاه صالح چیست؟ و کدام دادگاه حق صدور اجرائیه را دارد؟ به نظر می‌رسد، بتوان از ملاک‌هایی، نظیر مواد ۳۱۱ و ۴۸۵ و ۴۸۸ و ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی استفاده کرد. این مواد درباره ابلاغ و صدور برگ اجرائی و درخواست ابطال رأی داوری از ضابطه «دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد» بهره می‌گیرد. معیار پیش‌گفته این معنا را می‌دهد که آن دادگاهی صالح است تا به اصل دعوا رسیدگی کند، صلاحیت موارد یادشده را دارد. با این استدلال، دادگاهی که می‌تواند به اصل دعوای چک رسیدگی کند صالح است تا اجرائیه ماده ۲۳ را صادر کند و نظر به اینکه به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۳ چک در دادگاه محل صدور و اجرای تعهد و اقامتگاه خواننده قابل طرح است،^{۱۵} پس در این سه محل نیز می‌توان درخواست اجرائیه کرد؛ ولی چنان‌که گذشت، دستور اجرا قابل شکایت نیست؛ بدین‌سان در صورت پذیرش

۱۲. متن کنوانسیون در مجله حقوقی ۱۳۶۹: ۴۲۲/۱۳. به‌رغم این، در ماده یک دستورالعمل ثبت درخواست مصوب ۱۳۹۷/۹/۲۲ مرکز آمار و فن‌آوری اطلاعات قوه قضائیه چنین قید شده است: «صدور اجرائیه فقط از دارنده پذیرفته می‌شود. منظور از دارنده کسی است که گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده است».

۱۳. همچنین، این دستورها شکلی خاص ندارد و به‌صورت دادنامه تنظیم نمی‌شود و به اصحاب دعوا ابلاغ نمی‌گردد و مشمول اعتبار امر قضاوت شده و قاعده فراغ دادرسی نیست و عدول از آن‌ها جایز است.

۱۴. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۱)، ۱/ ۲۸۰.

۱۵. حسین گرامی و مریم موثق، «اجرای فوری در قانون اصلاح صدور چک با عنایت به ماده ۲۳ این قانون»، ماهنامه مدرسه حقوق، سال سیزدهم، شماره ۱۲۱ (۱۳۹۷): ۳۳؛ میرحسینی و دیگران، «واکوی اصلاحیه قانون چک»، ۸۵.

یا رد درخواست اجرا، از دستور دادگاه نمی‌توان شکایت کرد^{۱۶} و فقط قاضی حق دارد تا از دستور خود عدول کند. پرسش قابل طرح این است که اگر دادگاه از صدور اجرائیه خودداری کند، با توجه به اینکه دادگاه‌های دیگری نیز صالح برای صدور اجرائیه هستند، می‌توان از این دادگاه‌ها درخواست اجرا کرد؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دستور قضائی مشمول اعتبار امر قضاوت شده نیست، دارنده چک حق درخواست نزد دیگر دادگاه‌ها را داشته باشد. روشن است که اگر درخواست اجرائیه را دادگاه مردود برشمرد، برای دارنده حق طرح دعوی مطالبه وجه چک و در صورت لزوم شکایت کیفری یا درخواست اجرائیه از اداره ثبت محفوظ می‌ماند؛ زیرا رسیدگی دادگاه در این باره فقط یک رسیدگی شکلی از باب تطبیق درخواست با متن ماده ۲۳ است و ویژگی دیگری ندارد.^{۱۷}

۲-۱. چک‌های خارج از شمول ماده ۲۳

در ماده ۲۳ برای سه دسته از چک‌ها اجرائیه صادر نمی‌شود که عبارت‌اند از: چک‌هایی که به موجب متن آن‌ها مشروط و یا تضمینی هستند و چک‌های مشمول ماده ۱۴ قانون چک و تبصره‌های آن.^{۱۸} درباره دو مورد نخست به نظر می‌رسد که چون چک‌های مشروط و تضمینی بنابر متن آن‌ها متأثر از تعهدات خارج از سند هستند، باید وضعیت این تعهدات روشن شود و در نتیجه، موضوع امری قضائی است؛ ولی درباره بند ج ماده ۲۳، قانون‌گذار در ماده ۱۴ قانون چک چنین مقرر می‌کند:

۱۶. این مطلب یکی از اشکال‌های بزرگ مرحله اجراست که در آن دادرسی فعال ما پشاه است و بر اقدامات او نظارتی وجود ندارد؛ حال آنکه به موجب اصل ۱۶۱ قانون اساسی، از وظایف دیوان عالی کشور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم است و حذفشان نظارتی دیوان در نظام دادرسی فعلی اقدامی خلاف قانون اساسی است. در دیگر کشورها نیز مرحله اجرا مشمول نظارت و شکایت است؛ برای مثال در کشور فرانسه دستورهای دادگاه در دیوان عالی کشور قابل شکایت است (شمس، آیین دادرسی مدنی، ۲۰۸/۱).

۱۷. در حقوق اسناد تجاری مباحث فراوانی وجود دارد که از دامنه شمول ماده ۲۳ بسیار فراتر است؛ نظیر آنکه صادرکننده یا یکی از ظهرنویس‌ها عبارت «حواله کرد» را خط بزنند و یا اساساً چک بنابر متن انتقال ناپذیر باشد، اما به ثالث و آگذار شده باشد و یا در مندرجات سند تجاری، نظیر مبلغ پس از صدور تغییراتی ایجاد شود و یا اگر چکی خارج از اختیارات نمایندگان (خواه مدیران اشخاص حقوقی و یا سند تجاری) نظیر مبلغ پس از صدور تغییراتی ایجاد شود و یا اگر چکی خارج از اختیارات نمایندگان (خواه مدیران اشخاص حقوقی و یا حقیقی) صادر شود. با توجه به اینکه صدور اجرائیه تنها معطوف به ظاهر چک و گواهی عدم پرداخت است، در این موارد موضوع مبهم است و باید به رسیدگی در دادگاه ارجاع شود.

۱۸. ماده ۱۳ قانون صدور چک مقرر می‌کند: «در موارد زیر صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست:

الف. در صورتی که ثابت شود چک سفید امضا داده شده است. ب. هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد. ج. چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله و یا تعهدی است. د. هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. ه. در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد». در ماده ۲۳ فقط به بند «ب» و «ج» اشاره شده است.

تحلیلی بر قلمرو و قواعد دادرسی حاکم بر ماده ۲۳ قانون اصلاحی چک... / آقای ۲۵۷

صادرکننده چک یا ذی‌نفع یا قائم‌مقام قانونی آن‌ها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده است یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت‌درامانت یا جرائم دیگر تحصیل گردیده است، می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک، بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام‌شده صادر و تسلیم می‌نماید. دارنده چک می‌تواند از کسی که دستور عدم پرداخت داده است شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده است ثابت گردد، دستوردهنده افزون بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون، محکوم به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک خواهد شد.

در اصلاحات اخیر، افزون بر ماده ۲۳، قانون‌گذار در تبصره ماده ۵ مکرر مقرر کرده است که اگر گواهی عدم پرداخت ناشی از دستور عدم پرداخت ماده ۱۴ باشد، سوء اثر برشمرده نمی‌شود.^{۱۹} پاره‌ای از عنوان‌های کیفی ماده ۱۴ نظیر چک‌های تحصیل‌شده از راه خیانت‌درامانت و یا کلاهبرداری برخلاف وصف تجردی بودن اسناد تجاری است؛ زیرا این امکان هست که حقوق شخص ثالث با حسن نیت را تحت تأثیر قرار دهد.^{۲۰} به موجب ماده ۲۲ کنوانسیون ژنو درباره چک (۱۹۳۱)، اشخاصی که بر پایه چک علیه آنان طرح دعوا می‌شود، نمی‌توانند علیه دارنده به ایرادهایی متوسل شوند که بر روابط شخصی آنان با صادرکننده یا دارندگان پیشین بنیاد گرفته است، مگر اینکه دارنده در تحصیل آگاهان به زیان بدهکار عمل کرده باشد. بنابراین، مطلب تأمل‌برانگیز آن است که قانون‌گذار در بند ج ماده ۲۳ تصریح می‌کند که اگر گواهی عدم پرداخت به استناد ماده ۱۴ صادرشده باشد، برای چک اجرائیه صادر نمی‌شود، اما در ذیل ماده بیان می‌کند که اگر ادعا شود که چک با عناوین مجرمانه تحصیل شده است، اقامه دعوا مانع جریان عملیات اجرائی نیست. با این توصیف، میان این دو بخش از ماده تعارض وجود ندارد؛^{۲۱} زیرا بند ج اشعار می‌دارد

۱۹. به موجب ماده ۵ مکرر: «پس از ثبت غیر قابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به همه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می‌دهد. پس از گذشت بیست و چهار ساعت، همه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلف‌اند تا هنگام رفع سو اثر از چک، اقدامات زیر را در خصوص صاحب حساب اعمال نمایند: الف. عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید؛ ب. مسدود کردن وجوه همه حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛ ج. عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی یا ریالی؛ د. عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی».

۲۰. برای تبیینی از اصل غیر قابل استناد بدون ایرادها، نک: کورش کویانی، حقوق اسناد تجاری (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲)، ۱۳۷-۱۴۶؛ ابراهیم عبدی‌پور، مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت (قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳)، ۲۲-۳۲.

۲۱. احسان مظفری، محشای قانون صدور چک با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۷/۸/۱۳ (تهران: انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۸)، ۲۱۳.

که در گواهی عدم پرداخت، دلیل دستور عدم پرداخت همانند ادعای سرقت یا کلاهبرداری و غیره طبق ماده ۱۴ ذکر می‌شود، اما در بند پایانی ماده، بانک گواهی عدم پرداخت را صادر کرده است و صادرکننده یا قائم‌مقام او^{۲۲} پس از صدور گواهی و در مراحل اجرائی دعاوی مذکور را مطرح می‌کنند، اما این روش قانون‌نویسی ایرادی بزرگ به همراه دارد و آن اینکه صادرکنندگان چک با طرح دعوای واهی به استناد ماده ۱۴، از پرداخت وجه چک خودداری و حقوق دارنده را تضییع می‌کنند و سپس با توجه به ضمانت‌اجرای مندرج در ماده، از مجازات مناسب می‌گیرند.^{۲۳}

روشن است که اگر در متن چک مشروط یا تضمینی بودن آن قید نشده باشد، مشمول همین بند خواهد شد.

۲. قواعد دادرسی حاکم

به‌موجب بخش پایانی ماده ۲۳:

اگر صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی او دعاوی‌ای، مانند مشروط یا بابت تضمین بودن چک یا تحصیل چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت‌درامانت یا دیگر جرائم در مراجع قضائی را اقامه کند، اقامه دعوا مانع از جریان عملیات اجرائی نخواهد شد، مگر در مواردی که مرجع قضائی ظن قوی پیدا کند یا از اجرای سند مذکور ضرر جبران‌ناپذیر وارد شود که در این صورت با اخذ تأمین مناسب، قرار توقف عملیات اجرائی صادر می‌نماید. در صورتی که دلیل ارائه‌شده مستند به سند رسمی باشد یا اینکه صادرکننده یا قائم‌مقام قانونی مدعی مفقود شدن چک باشد و مراجع قضائی دلایل ارائه‌شده را قابل قبول بدانند، توقف عملیات اجرائی بدون اخذ تأمین صادر خواهد شد. به دعاوی مذکور، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

پرسش طرح‌شده این است که دعاوی تضمینی بودن و یا جعل و سرقت و گم شدن چک^{۲۴} در کدام مرجع قابل طرح است؟ در پاسخ با مراجعه به ماده ۲۳ دو گونه دعاوی کیفری و حقوقی قابلیت

۲۲. در این بند، واژه ذی‌نفع ذکر نشده است که به نظر می‌رسد سهو قانون‌گذار باشد.

۲۳. گرامی و موق، «اجرای فوری در قانون اصلاح صدور چک با عنایت به ماده ۲۳ این قانون»، ۳۳.

۲۴. همان‌گونه که گفته شد، چنین شخصی مشمول ماده ۷ قانون چک می‌شود، اما پرسش مطرح‌شده این است که آیا دستوردهنده حق برخورداری از بخشودگی‌های مندرج در مواد ۸ و ۱۲ را نیز دارد؟ به نظر می‌رسد تفسیر درست‌تر آن باشد که امتیازات پیش‌بینی‌شده در مواد پیشین فقط چک بی‌محل را دربرمی‌گیرد که صادرکننده قادر به تأمین وجه آن نبوده است. همچنین اینکه قانون‌گذار صراحتاً دستوردهنده را مشمول حکم مجازات دانسته است. بنابراین، ارجاع به دیگر مواد قانون بدون وجاهت انگاشته می‌شود.

طرح دارند. درباره دعوی کیفری که شکایت بر اساس ماده ۱۴ در مرجع کیفری انجام می‌شود، همین مرجع به موجب ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، دستور توقف عملیات اجرائی و اخذ تأمین را صادر خواهد کرد،^{۲۵} اما در خصوص طرح دعوی حقوقی به استناد ملاک مواد ۲۵ و ۲۶ قانون اجرای احکام مدنی و ضوابط مندرج در مواد ۱ و ۲ قانون اصلاح بخشی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۲۲/۶/۲۷ می‌توان گفت که دادگاه صادرکننده اجرائیه به این دعوی رسیدگی کند. توضیح اینکه دادخواست‌دهنده در چهارچوب طرح دعوی بطلان دستور اجرا یا اجرائیه^{۲۶} یا ملاک موادی نظیر ۴۲۴ و ۴۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی از دادگاه توقف عملیات اجرائی را درخواست می‌کند. البته در قانون اصلاح چک برای تأمین مناسب معیاری را بیان نکرده است، اما با توجه به مقررات پیش‌گفته، می‌توان از رویه جاری موجود در موادی نظیر ماده ۳۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی استفاده کرد. درباره مفقود شدن چک، اگرچه چنین ادعایی به فرجام امری حقوقی است، اما قانون‌گذار در ماده ۱۴ امکان شکایت کیفری را فراهم آورده است که در این صورت، دادسرا قرار منع تعقیب صادر می‌کند.^{۲۷} تشکیل پرونده و درنهایت صدور قرار شمول ماده ۱۴ را به همراه دارد؛ ولی اگر دارنده یا ذی‌نفع درصدد باشد تا از احکام مندرج در قانون تجارت درباره مفقود شدن سند تجاری بهره‌گیرد، باید وفق ماده ۳۱۴ قانون تجارت اقدام کند و از طریق حکم دادگاه، مفقود شدن چک را به استناد مواد ۲۶۱ تا ۲۶۷ قانون تجارت به اثبات برساند.

۲-۱. دعوی بطلان یا استرداد چک

افزون بر موارد یادشده، گاه مسئولان سند به دلایلی دارنده را مستحق دریافت وجه آن نمی‌دانند؛ برای مثال خریدار مال غیرمنقول مدعی است از آنجا که قرارداد باطل بوده یا فسخ شده است،

۲۵. ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌کند: «به‌منظور دسترسی به متهم و حضور به‌موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی یک از قرارهای تأمین ذیل را صادر می‌کند: الف. التزام به حضور با قول شرف؛ ب. التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛ پ. التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف؛ ت. التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام؛ ث. التزام به معرفی نوبه‌ای خود به‌صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام؛ ج. التزام مستخدمین رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط؛ ج. التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات؛ ح. اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله؛ خ. اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول؛ د. بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی».

۲۶. این عبارت در ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی مصوب ۱۳۲۲/۶/۲۷ به کار رفته است. قانون‌گذار در اصلاحات قانون چک به این قانون توجه ویژه داشته است و پاره‌ای از عبارات ماده ۲۳ همان عبارات قانون اصلاح ثبت است.

۲۷. گرامی و موثق، «اجرای فوری در قانون اصلاح صدور چک با عنایت به ماده ۲۳ این قانون»، ۳۳.

دارنده چک - فروشنده - استحقاق مطالبه وجه آن را ندارد. به همین ترتیب در یک پرونده، دارنده چک فقط علیه ضامن آن طرح دعوا کرده بود و ضامن مدعی بود که چک مذکور برای قراردادی صادر شده که مدت آن منقضی شده است و چون دارنده به تعهدات قراردادی خویش عمل نکرده است، وجه چک قابل وصول نیست؛ ولی صادرکننده با دارنده تباخی کرده است که ضمن اقرار به استحقاق او، در نهایت وجه چک از ضامن مطالبه شود. بدیهی است که خواسته اصلی ضامن در این باره اعلام بطلان امضای او بر سند تجاری است. به همین ترتیب، ادعای اینکه چک سفید امضا بوده است و دارنده با سوء استفاده از این وضعیت، به درج مبلغ و دیگر مندرجات اقدام کرده است. درباره اصل چنین خواسته‌ای برخلاف برخی اظهارنظرها نمی‌توان تردید کرد. قانون جدید نیز دعای تصریح شده را از باب تمثیل می‌داند؛ زیرا از عبارت «دعای مانند» استفاده کرده است که نشان می‌دهد مصداق‌های بیان شده حصری نیست. در چنین مواردی، خواهان ضمن طرح دعوایی، نظیر استرداد چک یا اعلام بطلان آن می‌تواند برای توقف عملیات اجرائی، دستور موقت بخواهد.^{۲۸} نکته‌ای که در این باره می‌توان پیش کشید، اینکه در قانون، عبارت «دعای مانند، مشروط یا بابت تضمین بودن چک» به کار رفته است. این عبارت مبهم است؛ زیرا چک مشروط یا تضمینی به خودی خود باطل نیست، بلکه صادرکننده مدعی است که چون به شرط عمل

۲۸. رویه قضائی در این باره با تشویر عمل می‌کند؛ برای نمونه در نظریه مشورتی ۷/۷۲۹ مورخ ۱۳۸۲/۳/۳ تصریح شده است: «در صورتی که صادرکننده چک مدعی عدم استحقاق دارنده چک باشد، می‌تواند با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی با تقدیم دادخواست بی‌اعتباری چک و استرداد لاشه آن تقاضای صدور دستور موقت را بر عدم پرداخت وجه چک از سوی بانک با رعایت مقررات مربوط بنماید»، اما از سوی دیگر، در مجموعه نشست‌های قضائی به استناد اینکه موارد دستور عدم پرداخت در ماده ۱۴ تصریح شده است، صدور دستور موقت در دیگر موارد را منتفی می‌کند. این دیدگاه با فلسفه حاکم بر دستور موقت معارض است. همچنان که می‌دانیم، دستور موقت اولاً تبعی است و پیرو یک دعوی اصلی مطرح می‌شود و دوماً در جایی مطرح می‌شود که صدور قرار فوریت دارد؛ به این معنا که اگر این خطر باشد که به‌رغم صدور حکم به نفع خواهان، اجرای آن متعسر یا ناممکن شود، با صدور دستور موقت به نفع او زمینه اجرای حکم فراهم می‌شود. در نتیجه، آن فلسفه‌ای که به تدوین سازوکاری به نام دستور موقت انجامیده است بر اسناد تجاری نیز حاکم است و کلیه دعوی، از جمله تعهدات را دربر می‌گیرد. بنابراین، در شمول مقررات دستور موقت بر اسناد تجاری تردید نمی‌توان کرد؛ به‌ویژه که ماده ۱۴ اصول مختص چک است و دیگر اسناد تجاری را دربر نمی‌گیرد؛ برای مثال اگر خواسته استرداد چند طغری سفته باشد و در ضمن دستور موقت مبنی بر عدم انتقال به شخص ثالث نزد دادگاه مطرح شود، از حیث درخواست دستور موقت بر چنین خواسته‌ای اشکالی وارد نیست. همچنان که اگر ادعای عناوین مجرمانه، نظیر کلاهبرداری و جعل و خیانت‌درامان و ... مطرح باشد، مرجع کیفری باید قرار مناسب را صادر کند. مثال دیگر درباره ضمانت‌نامه‌های بانکی است که بر اساس متن آن‌ها می‌تواند بدون قید و شرط و رعایت هیچ‌گونه تشریفات با مراجعه به بانک صادرکننده ضمانت‌نامه وجه آن را از بانک مطالبه کند و بانک موظف به پرداخت وجه ضمانت‌نامه است؛ ولی در مقررات بین‌المللی حاکم بر ضمانت‌نامه، ذی‌نفع حق درخواست متقابلانه ندارد؛ برای مثال اگر درخواست‌کننده ضمانت‌نامه به تعهدات قراردادی خود عمل کند، اما ذی‌نفع ضمانت‌نامه از استرداد آن امتناع ورزد، درخواست‌کننده می‌تواند به دادگاه مراجعه و ضمن تقاضای استرداد یا اعلام بطلان ضمانت‌نامه، دستور موقت مبنی بر عدم وصول وجه آن را درخواست کند. نکته قابل توجه در این موارد، اینکه بر پایه ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی تشخیص فوری بودن موضوع با دادگاه صالح است و همچنین به استناد ماده ۳۱۹ همان قانون، دادگاه برای جبران خسارت احتمالی از خواهان تأمین مناسب اخذ می‌کند. بنابراین، در صلاحیت دادگاه است تا درباره فوریت مسئله و اندازه تأمین تصمیم بگیرد و برای احراز موضوع می‌تواند اقدام به تشکیل جلسه کند (ماده ۳۱۴).

تحلیلی بر قلمرو و قواعد دادرسی حاکم بر ماده ۲۳ قانون اصلاحی چک ... / آقای ۲۶۱

نشده است یا چک بابت تضمین اجرای تعهدات قراردادی بوده و این تعهدات ایفا شده است، پس دارنده حق وصول آن‌ها را ندارد. به این ترتیب، صادرکننده باید دادخواستی را به عنوان استرداد لاشه چک یا اعلام بطلان یا فسخ یا انفساخ مطرح و این موارد را جزء جهات موجهه ذکر کند.

۲-۲. مقایسه اجرائیه در ماده ۲ قانون چک و اداره ثبت

ماده ۲ قانون چک مقرر می‌کند که این سند در حکم اسناد لازم‌الاجراست و دارنده در صورت عدم پرداخت آن می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای سند رسمی وجه چک را از صادرکننده وصول کند. به این ترتیب، هم‌اکنون قانون‌گذار افزون بر صدور اجرائیه از طریق اداره ثبت، دارنده را مجاز دانسته است تا از دادگاه نیز اجرائیه بخواهد. پرسش مطرح‌شده این است که اجرائیه اداره ثبت و دادگاه چه تفاوتی باهم دارند؟ در پاسخ باید گفت که اجرا در دادگاه بر اساس ماده ۲۱ قانون اجرای احکام مدنی انجام می‌شود و دارنده مکلف نیست تا برای تشکیل پرونده اصل چک را به مدیر اجرا تسلیم کند. بنابراین، در صورتی که پرونده اجرائی در آینده پیگیری نشود و یا دارنده از اجرا انصراف دهد، می‌تواند با در اختیار داشتن اصل چک از طریق روش‌های دیگر خواسته خود را پیگیری کند. حال آنکه به موجب بند دو ماده ۱۸۳ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ دارنده چک باید اصل آن را به اداره ثبت تسلیم کند و اگر پس از صدور اجرائیه و ابلاغ آن درصدد استرداد چک باشد، باید حق اجرا را پرداخت کند. نکته دیگر این است که اجرائیه صادرشده از سوی دادگاه دارای پشتوانه قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳ است؛ بنابراین دارنده می‌تواند از ضمانت‌اجرای این قانون و از جمله حبس صادرکننده استفاده کند، اما در ثبت چنین ضمانتی وجود ندارد. البته بر اساس ماده ۱۸۶ آیین‌نامه پیش‌گفته، اگر صادرکننده مدعی باشد که چک را بابت ... صادر کرده است که چک‌های مشروط یا تضمینی یا هر چک پرداخت ناشدنی را نیز دربر می‌گیرد، اداره ثبت - که یک مرجع اداری است - به آن توجه نمی‌کند و صادرکننده باید بر اساس سال ۱۳۲۲ در محل صدور اجرائیه طرح دعوا کند و بطلان دستور را همراه با توقف عملیات اجرائی بخواهد. روش کار در اداره ثبت این گونه است که در دایره اجرا اصل چک را دریافت می‌کنند؛ در گام نخست به این دلیل که قانون‌گذار با اعطای این امتیاز به دارنده درصدد بوده است تا همان هنگام دارنده به دادگاه مراجعه نکند و از این طریق نیز وجه چک را بخواهد؛ زیرا بر اساس اصول دادرسی، یک دین را نمی‌توان از دو مرجع مطالبه کرد. به همین دلیل، در ماده ۱۸۷ آیین‌نامه پیش‌گفته امکان شکایت کیفری صدور چک بی‌محل مانع درخواست اجرائیه نیست که برداشت می‌شود هم‌زمان از دو مرجع نمی‌توان وجه چک را مطالبه کرد.

دلیل دوم اخذ اصل چک از دارنده، آن است که در صورت انصراف دارنده، دولت از حق اجرای تعیین شده در قانون محروم نشود. اگر دارنده پس از صدور اجرائیه و ابلاغ آن از تعقیب عملیات اجرائی انصراف دهد، باید حق اجرا را بپردازد تا لاشه چک را مسترد کند (ماده ۱۹۳). قانون‌گذار درباره دادگاه این پیش‌انگاره را داشته است که اگر حکمی به سود شخصی صادر شود، به ضرورت برای اجرای آن اقدام می‌کند و به روش‌های دیگر متوسل نمی‌شود؛ چون در بیشتر موارد روش دیگری وجود ندارد و رأی دادگاه نیز به بهترین وجه خواسته او را برآورده می‌کند.^{۲۹} به همین دلیل، از مفاد قانون اجرای احکام مدنی برمی‌آید که ۱. حق اجرا پس از اجرا دریافت می‌شود (ماده ۱۵۸) و ۲. از محکوم‌علیه وصول می‌شود (مواد ۱۶۰ تا ۱۶۲). بنابراین، در این باره برای محکوم‌له وظیفه‌ای تعریف نشده است، اما وضعیت دیگری که قانون‌گذار در ماده ۱۶۱ پیش‌بینی کرده آن است که پس از انقضای ده روز، طرفین با یکدیگر سازش کنند و یا ترتیبی برای اجرای حکم بدهند که در این صورت، نیمی از حق اجرا وصول خواهد شد و در هر حال اگر دادبرده به هر روشی محکوم‌به را دریافت کند، دادورز مطابق قانون اجرای احکام مدنی حق اجرا را وصول خواهد کرد. اجرائیه ماده ۲۳ اصلاحی قانون چک، از سویی با اجرای ثبت همانندی دارد؛ زیرا دارنده چک پس از درخواست اجرائیه از دادگاه و در فرایند پیگیری آن، همچنان حق تنظیم دادخواست حقوقی را دارد؛ ولی از سوی دیگر، اگرچه در متن ماده ۲۳ نامی از قانون اجرای احکام مدنی نیامده است، اما از آنجا که بر اجرای احکام در دادگستری فقط همین قانون حاکم است، پس اجرای چک نیز به موجب قانون یادشده انجام خواهد شد. در این صورت، چند نکته قابل توجه است: نخست اینکه به موجب این اصل که دین واحد را از دو مرجع نمی‌توان خواست، اگر دارنده از دادگاه برای وجه چک درخواست اجرائیه کرده باشد هم‌زمان نمی‌تواند برای مطالبه مبلغ آن دادخواست بدهد، بدیهی است که خسارت تأخیر تأدیه و هزینه اجرا مشمول ممنوعیت بالا نیست. بنابراین، اگر دارنده اجرائیه خواسته باشد، زمانی حق تنظیم دادخواست را دارد که از اجرا انصراف دهد.

به همین ترتیب، اگر دادخواست به دادگاه ارائه شود، باید این ضابطه را ملاک قرار دهیم که خواهان مطابق قواعد تا چه مرحله‌ای می‌تواند از پیگیری دعوی خود صرف‌نظر کند، اما حق طرح دعوی مجدد را برای همان خواسته - مطالبه وجه چک - داشته باشد؟ در این خصوص، قانون‌گذار در ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی راه‌حل را نشان داده است، و می‌توان احکام مندرج در ماده پیشین را میان دعوی حقوقی و درخواست اجرائیه ملاک قرار داد. مطلب دیگر اینکه اگر اجرائیه را دادگاه صادر کند با انقضای ده روز، محکوم‌علیه مکلف به پرداخت هزینه اجراست. حال

۲۹. برای تفسیر این مواد نک: شمس، آیین دادرسی مدنی، ۱/۶۱۸.

اگر پس از مدت یادشده، دارنده بخواهد خواسته خود را از طریق دادگاه پی بگیرد، چنان‌که گفته شد، باید انصرافش را به واحد اجرا اعلام کند تا پرونده اجرائی مختومه شود. پرسش این است که در این صورت، حق اجرا از چه کسی اخذ خواهد شد؟ در این باره چند پاسخ قابل تصور است: نخست اینکه به عبارت سطرهای بالا، حق اجرا در قانون اجرای احکام مدنی فقط از محکوم علیه قابل مطالبه است، اما در چنین انگاره‌ای دادباخته باید هم در راستای اجرای حکم دادگاه حق اجرا پرداخت کند و هم بر اساس درخواست اجرای ماده ۲۳، که یکی از آن‌ها نادرست است. راه حل دوم آن است که چون مقررات اجرای احکام از قواعد آمره برشمرده می‌شود، در چنین موردی از آنجا که دارنده چک از اقدام خود پشیمان شده است، از باب تسبیب، حق اجرا در زمان اعلام انصراف از او وصول شود؛ معیاری که هم‌اکنون، برای استرداد لاشه چک در اداره ثبت به کار می‌رود. این راه حل البته با مقررات موجود مطابقت ندارد و برای چنین پرداختی بستر قانونی موجود نیست. راه حل سوم به فلسفه اخذ هزینه‌های دادگستری بازمی‌گردد؛ با این توضیح که قوه قضائیه هم‌اکنون از اعمال حاکمیتی و عمومی کشورهاست و اگرچه اخذ این هزینه‌ها را به ترکیبی از عوامل می‌توان پیوند داد، رکن پراهمیت آن است که چون امنیت حق شهروندان است، کسانی که این امنیت را به مخاطره می‌افکنند، باید هم هزینه‌های نقض آن را پرداخت کنند و هم آنکه تاندازه‌ای پرداخت این هزینه‌ها حالت پیشگیرانه دارد.^{۳۰} با این توصیف، از آنجا که قانون‌گذار برای هر عمل مغایر با قانون هزینه ویژه آن را تعیین کرده است، اگر علیه شخصی اجرائیه صادر و از اموال او وجه چک پرداخت شود، هزینه آن وصول شده است. بنابراین، پرداخت دوباره آن برخلاف عدالت است و حتی ممکن است موجب سوءاستفاده دارنده چک شود تا صادرکننده آن را تحت فشار قرار دهد. در این صورت، دو دیدگاه قابل طرح است: یکم، اگر دارنده از مراحل اجرائی ماده ۲۳ انصراف داد، حق اجرا اصولاً پرداخت نشود و با صدور حکم و آغاز مراحل اجرائی حق اجرا مطالبه گردد و دوم، با انصراف اولیه دارنده، حق اجرا مطالبه شود و پذیرش انصراف منوط به پرداخت حق اجرا باشد، اما پس از صدور حکم قطعی دادگاه، حق اجرا برای بار دوم مطالبه نشود. روش دوم دارای این مزیت است که چنانچه پس از درخواست اجرا بر اساس ماده ۲۳، صادرکننده و دارنده با یکدیگر توافق کردند، حق اجرای دادگستری از میان نمی‌رود و اینکه با پرداخت حق اجرا احکام قانونی اجرا شده است؛ زیرا مراد قانون‌گذار از نیم (پنج درصد) اجرا با یک پرداخت محقق می‌شود و استغراق موضوع در حکم تیسیر می‌پذیرد، اما با این اشکال روبه‌رو می‌شود که چون پرداخت حق اجرا از تکالیف صادرکننده چک است، صادرکننده می‌تواند به‌رغم انصراف دارنده از تأدیه حق اجرا خودداری کند و پرونده را با تطویل

۳۰. البته نه آن اندازه که دسترسی به عدالت را از شهروندان سلب کند و حکومت برای خود از این راه به دنبال سودخواهی باشد.

شدید زمانی مواجه سازد، به‌ویژه که برفرض پرداخت دارنده، سازوکاری برای مراجعه او پیش‌بینی نشده است. توجیه دیدگاه، یکم آن است که ماده ۲۳ قانون اصلاحی چک را گزینه سوم برمی‌شماریم؛ با این توضیح که چون قانون‌گذار درخواست اجرائیه را در این ماده پیش‌بینی کرده و از سویی آگاهی داشته است که دارنده به‌موجب قانون تجارت و چک، در این بخش یک وضعیت جدید حق طرح دعوای حقوقی را نیز دارد، این احتمال را در نظر گرفته است که دارنده با انصراف از درخواست اجرائیه به طرح دعوای حقوقی اقدام کند. با این توصیف، در صورت پیگیری نکردن مراحل اجرائی، گزینه سوم آن است که وجهی نیز بابت حق اجرا مطالبه نشود.

نتیجه‌گیری

ماده ۲۳ قانون اصلاحی چک مصوب ۱۳۹۷ صدور اجرائیه برای چک از طریق دادگاه را امکان‌پذیر دانسته است. در این ماده، اگر چک بنابر متن آن مشروط یا تضمینی و یا چک‌های مشمول ماده ۱۴ قانون چک نباشد، دارنده می‌تواند درباره مبلغ و حق الوکاله از دادگاه اجرائیه بخواهد. این یک تأسیس جدید حقوقی است، اما قانون‌گذار لوازم و قواعد آن را تدوین نکرده است. از یک‌سو، اجرای حکم دادگاه تابع مقررات گوناگونی، نظیر قانون اجرای احکام مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و لحاظ حقوق اشخاص ثالث است که قانون‌گذار در تدوین ماده ۲۳ می‌بایست به آن‌ها اهتمام می‌داشت. از سوی دیگر، اسناد تجاری دارای مزیت‌هایی، نظیر تأمین خواسته بی‌خسارت احتمالی و مسئولیت تضامنی است که قانون‌گذار درباره آن‌ها سکوت کرده است. نکته دیگر اینکه، حذف پاره‌ای از خسارت‌ها، نظیر تأخیر تأدیه و بعضی از مسئولان، همچون ضامن و ظهنویس، کارایی قاعده را محدود ساخته است.

درباره ادعاهای صادرکننده یا اشخاص ثالث نیز ماده ۲۳ دو رویکرد را برگزیده است. نخست آنکه اگر بر اساس متن، سند چک مشروط یا تضمینی باشد و یا اینکه گواهی عدم پرداخت به‌موجب ماده ۱۴ صادر شده باشد، دادگاه از صدور اجرائیه خودداری می‌کند؛ ولی در صورتی که خارج از ضوابط بالا دعوایی مطرح شود، البته قابل استماع است، اما موجب توقف اجرا نخواهد شد، مگر آنکه مرجع قضائی ظن قوی پیدا کند و یا اجرای سند زیان‌بران‌ناپذیری وارد کند، با اخذ تأمین مناسب قرار توقف عملیات اجرائی صادر می‌کند.

از حیث نظام دادرسی نیز با ضوابط موجود در قانون آیین دادرسی مدنی، اجرائیه را دادگاهی صادر می‌کند که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد و از آنجاکه به‌موجب رأی وحدت رویه

تحلیلی بر قلمرو و قواعد دادرسی حاکم بر ماده ۲۳ قانون اصلاحی چک... / آقای ۲۶۵

شماره ۶۸۸-۱۳۸۵/۳/۲۳ در دعوی چک، دارنده حق مراجعه به محل صدور چک، محل پرداخت و اقامتگاه خوانده را دارد، این سه محل صالح برای صدور اجرائیه‌اند. درباره دعوی حقوقی ناشی از چک نیز به استناد ملاک موادی، همچون ۲۵ و ۲۶ قانون اجرای احکام مدنی و مواد ۱ و ۲ قانون اصلاح بخشی از مواد قانون ثبت و دفاتر اسناد رسمی، دادگاه صادرکننده اجرائیه صالح به رسیدگی است. البته در جایی که موضوع مشمول عنوان جزائی است، دادگاه کیفری به مسئله رسیدگی خواهد کرد.

کتابنامه

الف. کتب و مقالات

الف-۱. فارسی

- اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت تطبیقی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۷۳.
- آقایی، کامران. «ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه تعدیل پول» در: تلاقی گاه ضرورت و آزادی، ۲۳۹-۲۵۸. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۶.
- شمس، عبدالله. اجرای احکام مدنی. جلد نخست: قواعد عمومی، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۷.
- شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی. جلد دوم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۱.
- عبدی پور، ابراهیم. مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- کامیار غلامرضا. مجموعه محشای قانون صدور چک. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
- کاویانی، کورش. حقوق اسناد تجاری. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- گرامی حسین و مریم موثق. «اجرای فوری در قانون اصلاح صدور چک با عنایت به ماده ۲۳ این قانون»، ماهنامه مدرسه حقوق، سال سیزدهم، شماره ۱۲۱ (۱۳۹۷): ۳۳.
- مظفری احسان. محشای قانون صدور چک با اصلاحات و الحاقات ۱۳/۸/۱۳۹۷. تهران: انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۸. میرحسینی مجید، محمد کارگر، و علیرضا شمس. «واکاوی اصلاحیه قانون چک»، ماهنامه مدرسه حقوق، سال سیزدهم، شماره ۱۲۱ (۱۳۹۷): ۸۵.

ب. جزوه‌ها

- آقایی، کامران (۱۳۹۲)، جزوه حقوق تجارت تطبیقی، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ج. مقررات

- «کنوانسیون یکنواخت ژنو درباره برات و سفته (۱۹۳۰)»، مجله حقوقی ۸۰، شماره ۱۲، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی (۱۳۶۹): ۳۴۳-۲۶۳.
- «کنوانسیون یکنواخت ژنو درباره چک (۱۹۳۱)»، مجله حقوقی، شماره ۱۳، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی (۱۳۶۹): ۴۲۲.